

کتاب یوئیل نبی

مقدمه

در مورد یوئیل نبی معلومات کمی در دست است که او در چه زمانی زندگی می‌کرد. اما به احتمال قوی او در قرن پنجم و یا چهارم ق.م. در قلمرو جنوبی اسرائیل می‌زیست و این کتاب را برای مردم آنجا نوشته است.

یوئیل پیشگویی کرد که خدا بلاى وحشتناکی خواهد فرستاد تا مردم یهودا را تنبیه کند. این بلا تمام مزارع را نابود خواهند کرد، زیرا مردم یهودا نسبت به خداوند بی‌وفایی کرده‌اند.

یوئیل نگاهی به آینده می‌اندازد و از روز داوری خداوند نیز سخن می‌گوید.

به این ترتیب یوئیل پیام خود را به مردم می‌رساند و از آنها دعوت می‌کند که از گناهان خود دست بکشند تا خداوند هم مطابق به وعده خود آنها را دوباره احیا نموده از برکات خود برخوردار گردانند. مهمتر از همه خداوند وعده فرمود که روح خود را بر همه بشر، مرد و زن، پیر و جوان، یکسان خواهد ریخت.

فهرست مندرجات:

بلاى ملخ: فصل ۱: ۱ - ۱۷: ۲

وعده احیای قوم اسرائیل: فصل ۱۸: ۲ - ۲۷

روز داوری خداوند: فصل ۲۸: ۲ - ۲۱: ۳

این پیام از جانب خداوند برای یوئیل پسر فتوئیل رسید.

^۲ ای مردان موسفید بشنوید! ای ساکنین روی زمین گوش بدهید! آیا در عمرتان یا در دوران زندگی پدران تان چنین واقعه‌ای رخ داده است؟^۳ درباره آن با فرزندان تان صحبت کنید. آن‌ها به نوبه خود آن را به فرزندان خود نقل کنند و به همین ترتیب این واقعه به نسلهای بعدی تعریف شود.

^۴ انواع ملخها دسته دسته می‌آیند و به نوبت تمام محصول زمین شما را می‌خورند.^۵ ای مستان بیدار شوید و گریه کنید. ای میگساران زاری نمائید، زیرا همه انگور و شراب شما همه از بین رفته است.^۶ یک قوم نیرومند که تعداد شان بیشمار است بر سرزمین من هجوم آورده است. دندانهای شان مثل دندان شیر تیز اند.^۷ تاکستان‌های مرا خراب کرده‌اند. درختان انجیر مرا پوست نموده و شاخه‌های آن‌ها را سفید و برهنه گذاشته‌اند.

^۸ مانند دوشیزه‌ای که بخاطر مرگ شوهر جوان خود لباس ماتم می‌پوشد، عزا بگیرید.^۹ آوردن هدیه آردی و شراب به عبادتگاه قطع شده است. کاهنان که خادمان خداوند هستند، ماتم گرفته‌اند.^{۱۰} کشتزارها همه خشک شده‌اند و زمین عزادار است. غله از بین رفته است، انگور خشک شده و درختان زیتون پژمرده گردیده‌اند.^{۱۱} ای دهقانان گریه کنید و ای باغبانان شیون نمائید، زیرا محصول گندم و جو تلف شده است.^{۱۲} تاکهای انگور از بین رفته و درختان انجیر، انار، خرما، سیب و همه درختان دیگر خشک شده‌اند. خوشی و سرور برای مردم نمانده است.

دعوت برای توبه و دعا

^{۱۳} ای کاهنان لباس ماتم بپوشید و ماتم بگیرید! ای خادمان خدای من که در عبادتگاه خدمت می‌کنید، تمام شب نوحه را سردهید! زیرا دیگر غله و شرابی باقی نمانده است که به خانه خداوند تقدیم شود.^{۱۴} روزه را اعلام کنید و به مردم خبر بدهید که همگی جمع شوند. رهبران و

همه ساکنین کشور در عبادتگاه خداوند، خدای خود بیایند و در آنجا در حضور خداوند گریه و زاری کنند.^{۱۵} وای بر ما، زیرا روز هولناک خداوند نزدیک است و هلاکت و نابودی از جانب قادر مطلق بر سر ما می آید.

^{۱۶} خوراک ما در برابر چشمان ما از بین رفت و خوشی و شادمانی از عبادتگاه خدای ما رخت بریست.^{۱۷} تخمها در بین کلوخها پوسیده می شوند. انبارها خراب شدند و گدامها خالی اند، زیرا غله در کشتزار از بین رفته است.^{۱۸} گاوها از گرسنگی ناله می کنند و رمه های گوسفند سرگردانند، زیرا چراگاهی برای شان باقی نمانده است و همه تلف می شوند.^{۱۹} خداوندا، بحضور تو زاری می کنم، زیرا گرمی سوزان، چراگاهها را خشک ساخته و شعله های آن درختان را سوختانده است.^{۲۰} حتی حیوانات وحشی بحضور تو فریاد و زاری می کنند، چون جوی های آب خشک شده و شعله های سوزنده گرما چراگاه های بیابان را از بین برده است.

روز داوری خداوند

^۲ ^۱ زنگ خطر را در صهیون بنوازید؛ بگذارید صدای آن از سر کوه مقدس من شنیده شود و همه ساکنین کشور از ترس بلرزند، زیرا روز داوری خداوند نزدیک می شود و بزودی فرامی رسد.^۲ آن روز، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرهای سیاه و تاریکی غلیظ است. سپاه نیرومندی مثل سیاهی تیره ای، کوهها را می پوشاند. آن لشکر چنان بزرگ و قوی است که مثل آن قبلاً هرگز دیده نشده است و بعد از این هم دیده نمی شود.

^۳ پیشاپیش آن ها آتش و در عقب آن ها شعله ای همه چیز را می سوزاند. زمین پیش از آمدن آن ها مثل باغ عدن می باشد، اما وقتی از آن می گذرند به بیابان خشک و پژمرده تبدیل می شود. هیچ چیزی از چنگ آن ها رهائی یافته نمی تواند.^۴ آن ها شبیه اسپ هستند و مانند اسپهای جنگی می تازند.^۵ وقتی بر کوهها جست و خیز می زنند، صدای شان مثل غرش عراده ها و صدای شعله آتشی است که گاه را می سوزاند و مانند غریو سپاه نیرومندی است که برای جنگ لشکر کشی

می‌کند.^۶ در برابر آن‌ها مردم وحشت می‌کنند و رنگ از روی شان می‌پرد.^۷ مثل جنگجویان حمله می‌آورند و همچون سربازان از دیوارها بالا می‌روند. هر یک از آن‌ها مستقیماً پیش می‌رود و خط سیر خود را تغییر نمی‌دهد.^۸ یکدیگر خود را شانه نمی‌زنند، بلکه در صف خود مستقیماً پیش می‌روند، خط دفاع را می‌شکنند و هیچ سلاحی نمی‌تواند مانع آن‌ها بشود.^۹ به شهر هجوم می‌برند، بر دیوارها بالا می‌شوند و مثل دزد از راه کلکین به خانه داخل می‌شوند.

^{۱۰} زمین در زیر پای آن‌ها به لرزه می‌آید و آسمان‌ها تکان می‌خورند. آفتاب و مهتاب تاریک می‌شوند و ستارگان نور افشانی نمی‌کنند.^{۱۱} خداوند با صدای بلند به لشکر خود فرمان می‌دهد و سپاه بزرگ و بیشمار او فرمانش را بجا می‌آورند. روز خداوند واقعاً روز با هیبت و هولناک است. کیست که بتواند آن را تحمل کند؟

دعوت به بازگشت

^{۱۲} خداوند می‌فرماید: «حتی همین حالا، با تمام قلب تان، با روزه و گریه و ماتم بسوی من برگردید.^{۱۳} دل‌های تان را چاک کنید نه لباس تان را.»

بسوی خداوند، خدای تان بازگردید، زیرا او رحیم و مهربان است. زود قهر نمی‌شود و رحمت و محبت او بی پایان است. همیشه برای بخشیدن آماده است و راضی به مجازات شما نیست.^{۱۴} کسی چه می‌داند، شاید خداوند اراده خود را عوض کند و محصولات شما را آنقدر برکت بدهد که دوباره بتوانید هدیه آردی و ریختنی به خداوند، خدای تان تقدیم کنید.

^{۱۵} زنگ خطر را در صهیون به صدا آورید و روزه را اعلام کنید. همگی جمع شوند^{۱۶} و آن‌ها را تقدیس نمایند. موسفیدان، اطفال و حتی کودکان شیر خوار را جمع کنید. داماد از خانه و عروس از حُجَله خود بیرون بیاید.^{۱۷} کاهنانی که خادمان خداوند هستند، بین قربانگاه و دروازه دخول عبادتگاه بایستند و گریه کنند و بگویند: «خداوندا، بر قوم برگزیده خود رحم کن. نگذار

که آن‌ها مایهٔ تمسخر اقوام دیگر شوند و به قوم برگزیدهٔ تو بگویند: خدای شما کجا است؟»

جواب خداوند و وعدهٔ او

^{۱۸} آنگاه خدای غیور بر سرزمین خود لطف فرمود و بر قوم برگزیدهٔ خود رحمت کرد. ^{۱۹} خداوند در جواب قوم برگزیدهٔ خود فرمود: «من برای شما غله و شراب و روغن می‌فرستم تا سیر شوید. دیگر راضی نمی‌شوم که اقوام بیگانه شما را مسخره کنند. ^{۲۰} لشکر دشمن را که از شمال بر شما هجوم آوردند، از آنجا دور کرده به یک سرزمین خشک و ویران می‌رانم. بعضی از آن‌ها را در بحیرهٔ مُرده و بعضی را در بحر مدیترانه می‌فرستم تا در آنجا بمیرند و بوی بد لاشه‌های شان بلند شود.»

^{۲۱} ای زمین نترس و خوشحال باش، زیرا خداوند کارهای بزرگی برایت انجام داده است! ^{۲۲} ای حیوانات صحرا هراسان نباشید، زیرا چراگاهها سرسبز می‌شوند و درختان میوه بار می‌آورند. میوهٔ انجیر و انگور فراوان می‌گردد.

^{۲۳} ای مردم صهیون، خوشحال و شادمان باشید و از کارهای خداوند خوشی کنید! چون با فرستادن باران، عدالت خدائی خود را نشان می‌دهد. دوباره باران بهاری را در بهار و باران خزانی را در خزان برای سرسبزی زمین تان می‌فرستد. ^{۲۴} بار دیگر خرمگاه‌ها پُر از گندم می‌شوند و کارگاه چرخش‌ها لبریز از روغن و شراب می‌گردند.

^{۲۵} خداوند می‌فرماید: «خسارهٔ سالهائی را که ملخها، همان لشکر بزرگی که من بر ضد شما فرستاده بودم، وارد آوردند جبران می‌کنم. ^{۲۶} غذای فراوان می‌خورید و سیر می‌شوید و نام من خداوند را که خدای تان هستم بخاطر کارهای عجیبی که برای شما انجام داده‌ام تجلیل و تمجید می‌کنید. قوم برگزیدهٔ من دیگر خوار و حقیر نمی‌شود. ^{۲۷} آنگاه شما ای قوم اسرائیل می‌دانید که من در بین شما می‌باشم و تنها من، خداوند، خدای تان هستم و دیگری نیست و

شما که قوم برگزیده من می باشید دیگر هرگز خوار و شرمنده نمی شوید.

روح خداوند بر همگی ریخته می شود

^{۲۸} بعد روح خود را بر همه مردم می ریزم. پسران و دختران تان نبوت می کنند. موسفیدان شما خوابها و جوانان تان رؤیاها می بینند. ^{۲۹} در آن روزها حتی بر غلامان و کنیزان شما هم روح خود را می ریزم.

^{۳۰} علامات حیرت انگیزی از خون، آتش و ستونهای دود، در آسمانها و زمین نشان می دهم. ^{۳۱} قبل از آنکه روز عظیم و وحشتناک خداوند فرارسد، آفتاب به تاریکی و مهتاب به خون مبدل می گردد ^{۳۲} اما هرکسی که خداوند را فرا بخواند، نجات می یابد، زیرا خداوند فرموده است که در کوه صهیون نجات یافتگان در امان اند و کسانی که برگزیده او هستند زنده می مانند.»

خداوند اقوام بیگانه را محاکمه می کند

^۳ خداوند می فرماید: «در آن زمان وقتی سعادت و آرامی را به یهودا و اورشلیم بازگردانم، ^۲ تمام اقوام جهان را در «وادی محاکمه» جمع کرده در آنجا آنها را بخاطر میراث خود، یعنی قوم اسرائیل محاکمه می کنم، زیرا آنها قوم برگزیده مرا در بین اقوام جهان پراکنده ساختند و سرزمین مرا تقسیم کردند. ^۳ آنها بر سر قوم برگزیده من قرعه انداختند. پسران جوان را در عوض فاحشه ها دادند و دختران را به قیمت پول شراب فروختند.

^۴ ای صور و صیدون و ای سرزمین فلسطین با من چه کار دارید؟ آیا می خواهید از من انتقام بگیرید؟ اگر چنین کنید من فوری و هرچه زودتر شما را جزا می دهم. ^۵ شما نقره و طلا و گنجینه های نفیس مرا گرفته به معبدهای خود بردید. ^۶ مردم یهودا و اورشلیم را به یونانیها فروختید و آنها را از وطن شان آواره ساختید. ^۷ اما من آنها را از جاهائی که به آن فروخته

شده‌اند بازمی‌گردانم و شما را به سزای اعمال تان می‌رسانم.^۸ پسران و دختران شما را به مردم یهودا می‌فروشم تا آن‌ها هم همه را به سبائیان که در سرزمین دوردستی زندگی می‌کنند، بفروشند. من که خداوند هستم این را می‌گویم.

^۹ به اقوام جهان اعلام کنید؛ برای جنگ آماده شوید و جنگجویان ورزیده تان را فراخوانید و همه عساکر تان را جمع کنید.^{۱۰} گاوآهنهای خود را ذوب کنید و از آن‌ها شمشیر بسازید و از ابره‌های تان سرنیزه تهیه نمایید. حتی افراد ضعیف هم دلاورانه بجنگند.^{۱۱} ای اقوام جهان، از هر طرف بیایید و در یکجا جمع شوید!»

خداوندا، جنگ آورانت را برای حمله فرود آور!

^{۱۲} «تمام اقوام بیایند و در وادی محاکمه جمع شوند. من در آنجا نشسته و همه را محاکمه می‌کنم.^{۱۳} داسهای تان را به دست بگیرد، زیرا محصول پخته شده و برای درو آماده است. مردم همه شیر شده‌اند، پس بروید و آن‌ها را همانطوری که انگورها را برای شراب در زیر پا لگدمال می‌کنند، پایمال سازید تا همه جا از خون شان لبریز شود.^{۱۴} مردم دسته دسته در وادی محاکمه جمع شوند، زیرا در همانجا روز خداوند بزودی فرامی‌رسد.^{۱۵} آفتاب و مهتاب تاریک می‌شوند و ستارگان نور خود را از دست می‌دهند.^{۱۶} غرش صدای خداوند از فراز کوه صهیون برمی‌خیزد و همچون رعد از اورشلیم غرش می‌کند. آسمان و زمین به لرزه می‌آیند، اما خداوند پناهگاه قوم برگزیده خود، اسرائیل بوده از آن‌ها حمایت می‌کند.

آینده باشکوه یهودا

^{۱۷} آنگاه شما می‌دانید که من، خداوند، خدای تان بر کوه مقدس خود صهیون، ساکن هستم. اورشلیم یک شهر مقدس بوده و بیگانگان دیگر هرگز نمی‌توانند از آنجا عبور کنند.

^{۱۸} در آن زمان از کوهها شراب تازه می‌چکد و از تپه‌ها شیر جاری می‌شود. جویهای خشک

یهودا از آب لبریز می‌گردند. از عبادتگاه خداوند چشمهٔ آب فوران می‌کند و وادی شطیم را سیراب می‌سازد.

^{۱۹} کشورهای مصر و ادوم بخاطر ظمی که در حق اهالی یهودا کرده‌اند و خون مردم بیگناه در آنجا ریخته شده است، به بیابان خشک و پژمرده تبدیل می‌شوند. ^{۲۰} اما یهودا و اورشلیم برای همیشه آباد و پُرجمعیت می‌ماند. ^{۲۱} من انتقام خون قوم خود را از دشمنان می‌گیرم و از گناه مسئولین و ستمگران نمی‌گذرم، زیرا من، خداوند در صهیون ساکن هستم.»